

بررسی اثرات تعدیل‌کنندگی مقابله‌ی مذهبی مثبت و منفی در رابطه‌ی بین استرس ادراک‌شده و همدلی

محمد عباسی^{۱*}، محمد حجتی^۲

چکیده:

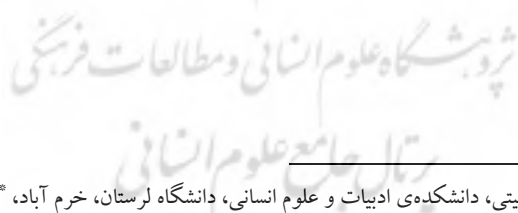
مقدمه: هدف پژوهش حاضر بررسی اثر تعدیل‌کنندگی مقابله‌ی مذهبی مثبت و منفی در رابطه بین استرس ادراک‌شده و همدلی دانش‌آموزان بود.

روش: در این مطالعه‌ی توصیفی همبستگی ۱۹۳ نفر از دانش‌آموزان پسر شهر خرم‌آباد انتخاب شدند. سپس دانش‌آموزان پرسش‌نامه استرس ادراک‌شده (PSS)، پرسش‌نامه‌ی سبک‌مقابله‌ی مذهبی (RCOPE) و مقیاس همدلی (BES) را کامل نمودند. داده‌ها با استفاده از تحلیل رگرسیون سلسله‌مراتبی تحلیل شدند.

یافته‌ها: نتایج نشان دادند که بین استرس و همدلی رابطه‌ی معناداری وجود دارد ($p < 0/001$)، همچنین، نقش تعدیل‌گر مقابله‌ی مذهبی مثبت ($\beta = -0/15$, $p < 0/001$) و مقابله‌ی مذهبی منفی ($\beta = 0/10$, $p < 0/001$) در رابطه بین استرس و همدلی دانش‌آموزان مورد تأیید قرار گرفت.

نتیجه‌گیری: این مطالعه شواهدی برای نقش تعدیل‌گری مقابله‌ی مذهبی در رابطه بین استرس و همدلی دانش‌آموزان فراهم می‌آورد.

واژگان کلیدی: استرس ادراک‌شده، مقابله‌ی مذهبی، همدلی



^۱ استادیار روان‌شناسی تربیتی، دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، * نویسنده‌ی مسئول:

abbasi.mohammad@hotmail.com

^۲ کارشناس ارشد علوم تربیتی

Moderating Effects of Positive and Negative Religious Coping on the relationship between Perceived Stress and Empathy

Abbasi, M.; Hojati, M.

Abstract:

Introduction: The purpose of the current study was to explore the moderating effect of Positive and Negative Religious Coping on the relationship between Perceived stress and Empathy.

Method: In this descriptive correlational study 193 boy students were selected of high school in Khorramabad. Then the students completed Perceived Stress Scale (PSS), Religious Coping Scale (RCOPE), and Basic Empathy Scale (BES).

Results: Results revealed a significant meaningful relationship between stress and Empathy ($\beta = -.74, p < .001$). Also Positive Religious Coping ($\beta = -.10, p < .001$) and negative Religious Coping ($\beta = .15, p < .001$) as a moderator in the relationship between stress and Empathy were confirmed.

Conclusion: This study provides preliminary support for religious coping as a moderator of the relationship between Perceived Stress and Empathy.

Keywords: Perceived Stress, Religious Coping, Empathy

مقدمه

همدلی مفهوم مهمی در حوزه‌ی روان‌شناسی و ارتباط بین فردی است که به افراد امکان می‌دهد با احساسات و افکار دیگران هماهنگ شوند و با دنیای اجتماعی پیوند برقرار کنند (تن‌هو و گوردیجین^۱، ۲۰۱۶، هافمن^۲، ۲۰۰۸، سینگر و لام^۳، ۲۰۰۹). همدلی دارای دو بُعد شناختی و عاطفی است. در بُعد شناختی فرد افکار و احساسات دیگران را می‌شناسد و در بُعد عاطفی پاسخی متناسب ارائه می‌دهد. افراد همدل سه ویژگی مهم دارند، الف) درباره‌ی نیازهای دیگران نوعی احساس نگرانی دارند، ب) می‌توانند خود را به‌جای دیگران بگذارند و مسائل را از دید آن‌ها ببینند و ج) احساسات همدلانه دارند و آن را از طریق رفتارهای مناسب بروز می‌دهند (میکلی کاوسکا^۴، ۲۰۱۷، زلیدمن^۵، ۲۰۱۴، جولیف و فارینگتون^۶، ۲۰۰۴).

¹ Ten Have & Gordijn

² Hoffman

³ Singer & Lamm

⁴ Miklikowska

⁵ Zelidman

⁶ Jolliffe & Farrington

افرادی که همدلی بیشتری دارند نسبت به مسائل دیگران حساس‌تر می‌باشند و به‌طور کلی این افراد کسانی هستند که بیشترین کمک را می‌نمایند. به عبارتی، همدلی است که رغبت و تمایل انسان را به کمک کردن به دیگران یا بازداشتن از آسیب رساندن به دیگران برمی‌انگیزد (لوک‌وود، سراکاردوسو و ویدینگ^۱، ۲۰۱۴). همدلی ریشه‌ی بسیاری از رفتارهای نوع‌دوستانه و از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی است که تعیین‌کننده‌ی رفتارهای حمایتی و کمک‌کننده نسبت به دیگران است. محققان زیادی رابطه‌ی آن را با رفتارهای مثبت اجتماعی نشان داده‌اند (لیدمن، ۲۰۱۴، فرگوسن و استین^۲، ۲۰۱۰، شریتر، پینن‌بورگ و آن‌هن‌رت^۳، ۲۰۱۳). برای مثال، ارتباط همدلی و رابطه‌ی بهتر با دوستان و همسر (چو، رول و بوهرمستر^۴، ۲۰۱۳، کرامر و جوت^۵، ۲۰۱۰)، افزایش مشارکت اجتماعی (بیلی، هنری و وون‌هیپل^۶، ۲۰۰۸)، تاب‌آوری (شینر و ماستن^۷، ۲۰۱۲) و کاهش پرخاشگری (ویت، گوردون و گوئرا^۸، ۲۰۱۵، وانگ، لی، کائو و زو^۹، ۲۰۱۶) گزارش شده است.

از طرف دیگر، عواملی ممکن است همدلی افراد را به خطر بیندازد. یکی از این عوامل ادراک فرد از عوامل استرس‌زاست که نقش مهمی در پاسخ‌های هیجانی و روان‌شناختی فرد در برابر موقعیت‌ها دارد (گلدمن^{۱۰} و همکاران، ۲۰۰۵، قاسم‌زاده علیشاهی، حسنی و زوار، ۱۳۹۲). سادوک و سادوک (۲۰۰۷)، به نقل از شهسوارانی، طباطبایی، عشایری و ستاری، ۱۳۸۹ معتقدند استرس فرایندی چندگانه است که در واکنش به رخدادها یا موقعیت‌های زندگی ما رخ می‌دهد. بر اساس نظر دانورس^{۱۱} (۲۰۰۹)، به نقل از رباطی، دوران-دلویین^{۱۲} و دانورس، ۱۳۹۳ استرس حالتی است که هنگام عدم تعادل بین ادراک فرد از محدودیت‌های اعمال‌شده از سوی محیط و ادراک او از منابع خود برای مقابله با رویداد پدیدار می‌شود. به عبارتی، استرس حالتی است که در اثر یک تغییر محیطی که به‌عنوان آسیب، چالش، یا تهدیدی برای تعادل و پویایی فرد تلقی می‌شود ایجاد شده؛ در این حالت بین توانایی فرد برای رفع نیازها و تقاضاهای موقعیت جدید یک عدم تعادل به‌طور واقعی یا تصویری به وجود می‌آید. علاوه بر این، استرس را رابطه‌ی اختصاصی بین شخص و محیط تعریف کرده‌اند که در آن تنش ارزیابی‌شده، از حد امکانات فرد فراتر رفته و سلامتی او را در معرض خطر قرار می‌دهد. در دهه‌های اخیر اصطلاح استرس به محرکی اطلاق شده است که می‌تواند

¹ Lockwood, Seara-Cardoso & Viding

² Ferguson & Austin

³ Schreiter, Pijnenborg, & aan het Rot

⁴ Chow, Ruhl, & Buhrmester

⁵ Cramer & Jowett

⁶ Bailey, Henry, & Von Hippel

⁷ Shiner & Masten

⁸ White, Gordon & Guerra

⁹ Wang, Lei, Yang, Gao, Zhao

¹⁰ Goldman

¹¹ Danvers

¹² Durand-Delvigne

تغییراتی در شناخت، هیجان، رفتار و فیزیولوژی بدن ایجاد کند (چائو^۱، ۲۰۱۲، دنور^۲، ۲۰۰۹). بنابراین، نکته‌ی قابل‌توجه این است که چگونه و تحت چه شرایطی و درواقع از طریق چه متغیرهایی اثرگذاری استرس بر همدلی افزایش یا کاهش می‌یابد. از جمله متغیرهایی که می‌تواند عاملی مهم باشد راهبردهای مقابله‌ی مذهبی است (هاکنی و ساندرز^۳، ۲۰۰۳، رحمانی و رحمانی، ۱۳۹۱). مقابله یا کنار آمدن به‌صورت کلی عبارت است از تلاش فکری و هیجانی و رفتاری برای غلبه بر فشارهای روانی؛ این فرایندی پویا و مداوم است که فرد با تغییرات محیط سازگار می‌شود. بر همین مبنا، مقابله‌ی مذهبی روشی است که افراد به کمک آن با استرس‌های روزمره برخورد می‌کنند (ایلس، مزولیس و هدرسون^۴، ۲۰۱۶، انو و واسکانسلس^۵، ۲۰۰۵). مقابله‌ی مذهبی مبتنی بر باورها و فعالیت‌های مذهبی است و از این طریق در کنترل استرس‌های هیجانی و ناراحتی‌های جسمی به افراد کمک می‌کند (ریچاردز، پتری و چاپمن^۶، ۲۰۱۶). داشتن هدف و معنا در زندگی، احساس تعلق به منبعی والا، امیدواری به کمک و یاری خداوند و برخورداری از حمایت‌های اجتماعی از ویژگی‌های مقابله‌ی مذهبی است. در کل، دو نوع مقابله‌ی مذهبی (مثبت و منفی) وجود دارد. مقابله‌ی مذهبی مثبت، سبک‌هایی از مواجهه‌شدن با رویدادهای منفی زندگی است که در آن فرد با ارزیابی‌ها و تفسیرهای مثبت از خداوند به استقبال رویدادها می‌رود و معتقد است که خدا او را یاری خواهد کرد؛ اما در مقابله‌ی مذهبی منفی فرد یک نوع رابطه‌ی اجتنابی و نامطمئن با خداوند برقرار می‌کند و بر این باور است که خداوند او را کمک نخواهد کرد (پارگامنت، اسمیت، کوینگ و پرز^۷، ۱۹۹۸).

محققان در تحقیقات خود نشان دادند که مقابله‌ی مذهبی مثبت با پیامدهای مثبت روان‌شناختی و مقابله‌ی مذهبی منفی با پیامدهای منفی بیشتری است و می‌تواند ادراک از عوامل تهدیدکننده و تنش‌زا را تحت تأثیر قرار دهد (لویس^۸ و همکاران، ۲۰۰۵، مالتبی و دی^۹، ۲۰۰۴، پارگامنت و همکاران ۱۹۹۰، ۱۹۹۸، به نقل از ایلس و همکاران، ۲۰۱۶). با توجه به مطالب یادشده، هدف کلی این پژوهش رسیدن به شناختی بهتر از همدلی در بین دانش‌آموزان است، با در نظر گرفتن این نکته که چگونه تعامل مقابله‌ی مذهبی مثبت و منفی با استرس این رفتار را پیش‌بینی می‌کند. شکل ۱ انگاره‌ی کلی روابط مفروض بین متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

¹ Chao

² Denver

³ Hackney & Sanders

⁴ Ahles, Mezulis Hudson

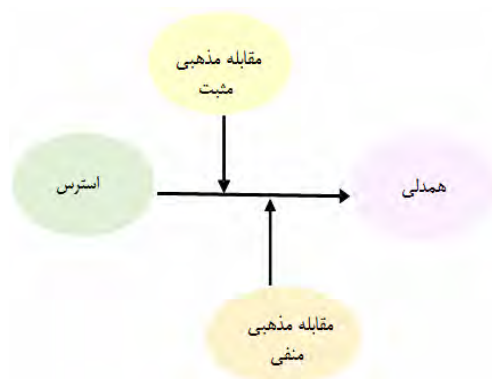
⁵ Ano, & Vasconcelles

⁶ Richards, Petrie & Chapman

⁷ Pargament, Smith, Koenig & Perez

⁸ Lewis

⁹ Maltby & Day



شکل ۱- انگاره‌ی کلی روابط مفروض در رابطه‌ی بین استرس و همدلی با توجه به نقش مقابله‌ی مذهبی مثبت و منفی

روش

پژوهش حاضر یک مطالعه‌ی توصیفی از نوع همبستگی است. نمونه مورد پژوهش شامل ۱۹۳ نفر از دانش‌آموزان پسر پایه‌ی سوم دوره‌ی متوسطه‌ی دوم در مدارس دولتی شهر خرم‌آباد در سال ۱۳۹۵-۹۶ بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. به این صورت که در ابتدا از دو ناحیه‌ی آموزش و پرورش شهر خرم‌آباد یک ناحیه انتخاب شده و از بین مدارس نیز چهار مدرسه به تصادف انتخاب و دانش‌آموزان پایه‌ی سوم آن‌ها به پرسش‌نامه‌ها پاسخ دادند.

ابزار

برای سنجش متغیرها از سه ابزار استفاده شد.

الف) مقیاس استرس ادراک‌شده^۱ (PSS): این مقیاس در سال ۱۹۸۳ توسط کوهن و همکاران، طراحی شده و زمانی به کار می‌آید که بخواهیم بدانیم موقعیت‌های زندگی یک فرد تا چه اندازه در نظر خویشتن استرس‌زا است. مقیاس ۱۴ گویه دارد که بر اساس یک مقیاس لیکرتی چنددرجه‌ای (هیچ، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد) پاسخ داده می‌شود. سؤال‌های PSS درباره احساسات و افکاری طرح‌ریزی شده‌اند که فرد در طول ماه گذشته داشته است. حداقل نمره در این مقیاس ۱۴ و حداکثر آن ۷۰ است. ضریب پایایی پرسش‌نامه در پژوهش نژاد احمدی و مرادی

^۱ Perceived Stress Scale

(۱۳۹۳)، ۰/۸۷ به‌دست آمد. در این پژوهش نیز ضریب پایایی با استفاده از روش آلفای کرونباخ، ۰/۶۹ به‌دست آمد.

(ب) مقیاس مقابله‌ی مذهبی^۱ (RCOPE): این پرسش‌نامه توسط پارگامنت (۲۰۰۰) ساخته شده که شامل ۱۰۰ پرسش است. این مقیاس میزان مقابله‌ی مذهبی آزمودنی را در مقابله با یک رویداد منفی در زندگی می‌سنجد. فرم بلند آزمون، ۱۰۰ ماده و ۱۷ زیرمقیاس دارد که سبک‌های گوناگون مقابله‌ی مذهبی را نشان می‌دهد. فرم کوتاه (که در این پژوهش استفاده شده) ۱۴ سؤالی است که برگرفته از فرم بلند آن است. این پرسش‌نامه دو خرده‌مقیاس مقابله‌ی مذهبی مثبت و منفی دارد که هر کدام شامل ۷ ماده از آزمون است. نمره‌گذاری به‌صورت طیف لیکرت با چهار گزینه از به‌هیچ‌وجه تا بسیار زیاد است (صفر تا ۳). ضریب پایایی برای خرده‌مقیاس مقابله‌ی مذهبی مثبت با استفاده از آلفای کرونباخ، ۰/۹۰ و برای مقابله‌ی مذهبی منفی، ۰/۸۱ به‌دست آمده است (پارگامنت و همکاران، ۱۹۹۸). در این پژوهش نیز ضریب پایایی با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای مقابله‌ی مذهبی مثبت، ۰/۷۵ و برای مقابله‌ی مذهبی منفی، ۰/۷۷ به‌دست آمد.

(ج) مقیاس همدلی اساسی^۲ (BES): این مقیاس توسط جولیف و فارینگتون^۳ (۲۰۰۶) جوانان و نوجوانان ساخته شده و دارای ۲۰ سؤال و ۲ خرده‌مقیاس است. خرده‌مقیاس عاطفی - هیجانی که از ۱۱ سؤال (۱، ۲، ۴، ۵، ۷، ۸، ۱۱، ۱۳، ۱۵، ۱۷، ۱۸) و خرده‌مقیاس شناختی که از ۹ سؤال (۳، ۶، ۹، ۱۰، ۱۲، ۱۴، ۱۶، ۱۹، ۲۰) تشکیل شده است. این پرسش‌نامه، یک ابزار نگرش‌سنج و از نوع مقیاس لیکرت ۵ گزینه‌ای است که پاسخ به هر عبارت آن در دامنه‌ای از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۵ (کاملاً موافقم) قرار دارد. روایی مقیاس با استفاده از تحلیل عامل تأییدی مطلوب گزارش شده و ضریب پایایی کل مقیاس نیز ۰/۸۷ بوده است (جولیف و فارینگتون، ۲۰۰۶). همچنین آلبیروتو، ماتریکاردی، اسپلتی و توسو^۴ (۲۰۰۹) در تحقیق خود روی جوانان ایتالیایی روایی و پایایی آن را مطلوب گزارش نمودند. در این پژوهش نیز ضریب پایایی با استفاده از روش آلفای کرونباخ، ۰/۷۲ به‌دست آمد.

به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها و بررسی رابطه‌ی مستقیم میان متغیرها از ضریب همبستگی پیرسون و برای بررسی نقش تعدیل‌کننده‌ی مقابله‌ی مذهبی در رابطه بین استرس و همدلی از روش رگرسیون سلسله‌مراتبی (روش بارون و کنی، ۱۹۸۶) استفاده شد. لازم به ذکر است که در این روش برای بررسی روابط تعاملی دو متغیر مستقل پیوسته در پیش‌بینی یک متغیر وابسته، ابتدا باید متغیر مستقل اول و بعد متغیر مستقل دوم (متغیر تعدیل‌کننده) و درنهایت تعامل این دو (که از ضرب‌بردارهای آن دو ایجاد می‌شوند) وارد تحلیل رگرسیون شوند و اگر متغیر تعامل واری اثر دو

¹ Religious Coping Scale

² Basic Empathy Scale

³ Jolliffe, D., & Farrington

⁴ Albiero, Matricardi, Speltri & Toso

متغیر مستقل، واریانس تبیین شده‌ی متغیر وابسته را به‌طور معنادار بالا برد، می‌توان اظهار داشت که متغیر تعدیل‌کننده، رابطه‌ی بین متغیر مستقل اول و متغیر وابسته را تعدیل می‌کند (ارشدی و پیریایی، ۱۳۹۳؛ استانگر^۱، ۲۰۱۵). لازم به ذکر است، چنانچه تحلیل بر روی نمرات Z صورت گیرد نتایج تعامل بهتر مشخص می‌شود (آیکن و وست^۲، ۱۹۹۱). بر این اساس در پژوهش حاضر متغیر پیش‌بین استرس ادراک‌شده در گام اول، متغیر تعدیل‌کننده‌ی مقابله‌ی مذهبی در گام دوم و تعامل استرس ادراک‌شده و مقابله‌ی مذهبی در گام سوم وارد تحلیل رگرسیون شدند.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی شامل میانگین و انحراف معیار و همچنین ماتریس ضرایب همبستگی مربوط به متغیرهای تحقیق به ترتیب در جدول ۱ و ۲ آمده است.

جدول ۱- میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای تحقیق

متغیر	میانگین	انحراف معیار
همدلی	۵۱/۳۵	۲۱/۲۳
استرس	۴۵/۱۶	۱۲/۵۶
مقابله‌ی مذهبی مثبت	۱۱/۸۰	۴/۶۸
مقابله‌ی مذهبی منفی	۱۲/۷۵	۵/۳۰

جدول ۲- ماتریس ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهش

ردیف	متغیر	۱	۲	۳	۴
۱	همدلی	۱			
۲	استرس ادراک‌شده	-.۰۷۴**	۱		
۳	مقابله‌ی مذهبی مثبت	.۰۶۲**	-.۰۶۹**	۱	
۴	مقابله‌ی مذهبی منفی	-.۰۵۵**	.۰۵۶**	-.۰۶۶**	۱

** p < .۰۰۱ * p < .۰۵

¹ Stangor

² Aiken & West

بر اساس نتایج جدول ۲، ضریب همبستگی پیرسون محاسبه‌شده بین استرس ادراک‌شده با همدلی و سبک مقابله‌ی مذهبی مثبت، رابطه‌ی منفی معنادار و با سبک مقابله مثبت، رابطه‌ی مثبت معنادار است. همچنین، نتایج ضرایب همبستگی بین همدلی و سبک مقابله مثبت نشان داد که بین این دو متغیر رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد. از سوی دیگر، در مورد نقش مقابله‌ی مذهبی مثبت و منفی در تأثیر استرس ادراک‌شده بر همدلی دانش‌آموزان، به‌طور خاص بررسی نقش کاهش‌دهنده‌ی مقابله‌ی مذهبی مثبت و نقش افزایش‌دهنده‌ی مقابله‌ی مذهبی منفی در تأثیر استرس بر همدلی، از رگرسیون سلسله‌مراتبی تعدیلی استفاده شد که نتایج آن در جدول ۳ و ۴ مشاهده می‌شود.

جدول ۳- نتایج تحلیل رگرسیون سلسله‌مراتبی برای اثرهای تعاملی استرس ادراک‌شده و سبک مقابله‌ی مذهبی مثبت در پیش‌بینی همدلی

مدل	متغیر	β	T P	F P	R R ²
گام اول	استرس ادراک‌شده	-۰/۷۴	-۱۵/۳۴ ۰/۰۰۱	۲۳۵/۴۱ ۰/۰۰۱	۰/۷۴ ۰/۵۵
		استرس ادراک‌شده	-۰/۵۸	-۹/۲۶ ۰/۰۰۱	۱۳۳/۰۳ ۰/۰۰۱
گام دوم	سبک مقابله‌ی مذهبی مثبت	۰/۲۳	۳/۷۹ ۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۷۶ ۰/۵۸
		استرس ادراک‌شده	-۰/۵۲	-۸/۱۱ ۰/۰۰۱	۰/۰۰۱
گام سوم	سبک مقابله‌ی مذهبی مثبت	۰/۲۷	۴/۳۲ ۰/۰۰۱	۹۶/۰۴ ۰/۰۰۱	۰/۷۷ ۰/۶۰
		استرس ادراک‌شده × سبک مقابله‌ی مذهبی مثبت	-۰/۱۵	-۳/۱۲ ۰/۰۰۲	۰/۰۰۱

همان‌طور که نتایج حاصل از جدول ۳ نشان می‌دهد که استرس ادراک‌شده به‌تنهایی ۰/۵۵ درصد واریانس همدلی دانش‌آموزان را تبیین می‌کند، متغیر تعدیل‌کننده سبک مقابله‌ی مذهبی مثبت با اضافه شدن به معادله‌ی رگرسیون ۰/۰۳ درصد واریانس انحصاری افزوده‌ی معنادار برای متغیر همدلی را تبیین می‌کند. در نهایت نیز تعامل بین استرس ادراک‌شده و سبک مقابله‌ی مذهبی مثبت به معادله‌ی رگرسیون اضافه گردید که نتایج این تعامل ۰/۰۲ درصد واریانس انحصاری افزوده‌ی معنادار برای همدلی را به همراه داشت؛ بنابراین با توجه به بالا رفتن میزان واریانس تبیین

شده متغیر همدلی در نتیجه‌ی ورود متغیر تعاملی استرس ادراک‌شده و سبک مقابله‌ی مذهبی مثبت می‌توان نتیجه گرفت که متغیر مقابله‌ی مذهبی مثبت قادر به تعدیل رابطه‌ی بین استرس ادراک‌شده با همدلی دانش‌آموزان است. به عبارتی، رابطه‌ی همدلی و استرس ادراک‌شده در سطوح بالا و پایین متغیر مقابله‌ی مذهبی مثبت متفاوت است. به‌منظور روشن نمودن ماهیت اثر تعدیل‌گری، نمودار تعامل با استفاده از ضریب رگرسیون استاندارد خطوط رگرسیون برای افراد بالا و پایین رسم شد. نمودار ۱ نحوه تعامل استرس و مقابله‌ی مذهبی مثبت را در ارتباط با همدلی نشان می‌دهد.

نمودار ۱- اثرات تعاملی استرس ادراک‌شده و مقابله‌ی مذهبی مثبت در پیش‌بینی همدلی



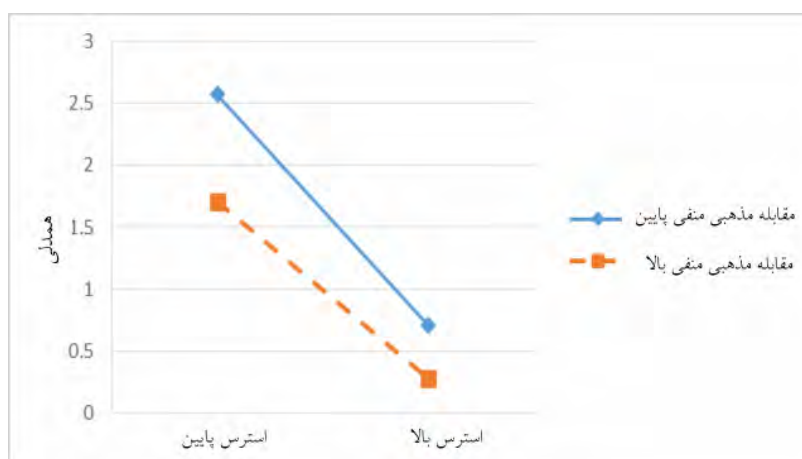
همان‌طور که نمودار ۱ نشان می‌دهد همدلی در دانش‌آموزانی که استرس پایین و مقابله‌ی مذهبی مثبت بالاتری دارند در بیشترین حد و در دانش‌آموزانی که استرس بالا و مقابله‌ی مذهبی مثبت پایین‌تری دارند در کمترین حد است. به‌علاوه، قابل مشاهده است که در شرایطی که استرس بالا با مقابله‌ی مذهبی مثبت بالا همراه است نسبت به زمانی که با مقابله‌ی مذهبی مثبت پایین‌تر همراه باشد، همدلی در دانش‌آموزان بیشتر است؛ بنابراین، فرضیه‌ی تعدیل‌گری مقابله‌ی مذهبی مثبت در رابطه‌ی بین استرس و همدلی دانش‌آموزان مورد تأیید قرار می‌گیرد. افزون بر این، در مورد نقش افزایش‌دهنده‌ی مقابله‌ی مذهبی منفی در تأثیر استرس نیز از رگرسیون سلسله‌مراتبی استفاده شد که نتایج در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴- نتایج تحلیل رگرسیون سلسله‌مراتبی برای اثرهای تعاملی استرس ادراک‌شده و سبک مقابله‌ی مذهبی منفی در پیش‌بینی همدلی

مدل	متغیر	β	T P	F P	R R ²
گام اول	استرس ادراک‌شده	-۰/۷۴	-۱۵/۳۴	۲۳۵/۴۱	۰/۷۴
			۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۵۵
			۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱
گام دوم	استرس ادراک‌شده	-۰/۶۳	-۱۱/۰۶	۱۳۰/۶۰	۰/۷۶۱
			۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۵۷
	سبک مقابله‌ی مذهبی منفی	-۰/۲۰	-۳/۴۷	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱
گام سوم	استرس ادراک‌شده	-۰/۶۱	-۱۰/۷۴	۸۹/۹۴	۰/۷۶۷
			۰/۰۰۱		-۳/۳۹
	سبک مقابله‌ی مذهبی منفی	-۰/۱۹	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۴
			۲/۰۵	۰/۱۰	
			۰/۰۴		
استرس ادراک‌شده × سبک مقابله‌ی مذهبی منفی					

همان‌طور که نتایج حاصل از جدول ۴ نشان می‌دهد که استرس ادراک‌شده به‌تنهایی ۰/۵۵ درصد واریانس همدلی را تبیین می‌کند. متغیر تعدیل‌کننده‌ی سبک مقابله‌ی مذهبی منفی با اضافه شدن به معادله رگرسیون ۰/۰۲ درصد واریانس انحصاری افزوده‌ی معنادار برای متغیر همدلی را تبیین می‌کند. در نهایت نیز تعامل بین استرس ادراک‌شده و سبک مقابله‌ی مذهبی منفی به معادله‌ی رگرسیون اضافه گردید که نتایج این تعامل ۰/۰۰۹ درصد واریانس انحصاری افزوده‌ی معنادار برای همدلی را به همراه داشت؛ بنابراین با توجه به بالا رفتن میزان واریانس تبیین شده متغیر همدلی در نتیجه‌ی ورود متغیر تعاملی استرس ادراک‌شده و سبک مقابله‌ی مذهبی منفی می‌توان نتیجه گرفت که متغیر مقابله‌ی مذهبی منفی قادر به تعدیل رابطه‌ی بین استرس ادراک‌شده با همدلی دانش‌آموزان است. به عبارتی، رابطه‌ی همدلی و استرس ادراک‌شده در سطوح بالا و پایین متغیر مقابله‌ی مذهبی منفی متفاوت است. به‌منظور روشن نمودن ماهیت اثر تعدیل‌گری، نمودار تعامل با استفاده از ضریب رگرسیون استاندارد خطوط رگرسیون برای افراد بالا و پایین رسم شد. نمودار ۱ نحوه‌ی تعامل استرس ادراک‌شده و مقابله‌ی مذهبی منفی را در ارتباط با همدلی نشان می‌دهد.

نمودار ۲- اثرات تعاملی استرس ادراک شده و مقابله‌ی مذهبی منفی در پیش‌بینی همدلی



همان‌طور که نمودار ۲ نشان می‌دهد همدلی در دانش‌آموزانی که استرس پایین و مقابله‌ی مذهبی منفی پایین‌تری دارند در بیشترین حد و در دانش‌آموزانی که استرس بالا و مقابله‌ی مذهبی منفی بالاتری دارند در کمترین حد است. به‌علاوه، قابل مشاهده است که استرس بالا وقتی با مقابله‌ی مذهبی منفی بالا همراه باشد نسبت به زمانی که با مقابله‌ی مذهبی منفی پایین‌تری همراه باشد منجر به همدلی کمتر دانش‌آموزان می‌شود؛ بنابراین، فرضیه‌ی تعدیل‌گری مقابله‌ی مذهبی منفی در رابطه‌ی بین استرس و همدلی مورد تأیید قرار می‌گیرد.

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعات زیادی نشان داده‌اند که همدلی عامل کلیدی در رفتارهای نوع‌دوستانه است (هافمن^۱، ۲۰۰۱، ایزنبرگ، اگن و دی‌جیونتا^۲، ۲۰۱۰) که تحت تأثیر استرس و باورهای مذهبی ممکن است تغییر کند. در همین راستا، پارگامنت و برانت^۳ (۱۹۹۸) نشان دادند ۵۰ تا ۸۵ درصد از افراد معتقدند مقابله‌ی مذهبی به برخورد مناسب با موقعیت‌های زندگی کمک می‌کند. موضوع این پژوهش بررسی رابطه‌ی بین استرس ادراک شده و همدلی با تأکید بر نقش تعدیل‌کنندگی مقابله‌ی مذهبی بود. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد بین استرس و همدلی رابطه‌ی منفی و معناداری وجود دارد، به این معنا که هرچه میزان درک استرس در دانش‌آموزان پسر بیشتر باشد همدلی آن‌ها کمتر خواهد بود. در مورد مقابله‌ی مذهبی مثبت، ارتباط مثبت و معنادار و در مورد مقابله‌ی مذهبی منفی ارتباط منفی و معناداری با همدلی مشاهده شد. همچنین، نتایج پژوهش در ارتباط با نقش تعدیلی مقابله‌ی

¹ Hoffman

² Eisenberg, Eggum & Di Giunta

³ Brant

مذهبی در کاهش تأثیر استرس بر همدلی نشان داد که مقابله‌ی مذهبی مثبت باعث کاهش تأثیر عوامل استرس‌زا بوده و مقابله‌ی مذهبی منفی باعث افزایش آن‌ها می‌شود. این نتایج همسو است با نتایج تحقیقات پژوهشگران گذشته پارگامنت و همکاران (۲۰۰) و آنو و واسکانسلس (۲۰۰۵) که در فراتحلیلی روی ۴۹ مطالعه یافتند مقابله‌ی مذهبی مثبت با سطوح پایین‌تر استرس، با اضطراب همراه است و مقابله‌ی مذهبی منفی با مشکلات روان‌شناختی بیشتر. همچنین، آن‌ها دریافتند مقابله‌ی مذهبی می‌تواند بر ادراک استرس تأثیر بگذارد. در پژوهشی دیگر، ایلس و همکاران (۲۰۱۶) نقش تعدیل‌گری مقابله‌ی مذهبی را در رابطه‌ی استرس و نشانه‌های افسردگی مورد تأیید قراردادند. به‌علاوه، دان و اوبرین^۱ (۲۰۰۹) نشان دادند افراد دارای باورهای مذهبی مشکلات هیجانی و روان‌شناختی کمتری نسبت به افراد غیرمذهبی دارند. پارگامنت و آنو (۲۰۰۴) نیز یافتند که مقابله‌ی مذهبی با امید و سلامت روان‌شناختی بیشتر همراه است. از طرفی، وانگ، رئو و اسلایکو^۲ (۲۰۰۶) در فراتحلیلی نشان دادند که سطوح بالای معنویت و مذهبی بودن با سلامت روانی نوجوانان رابطه دارد.

در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت که مقابله‌ی مذهبی به ارتباط با خداوند و وصل شدن به یک منبع لایتناهی اشاره دارد که در مواجهه با رخدادهایی زندگی پذیرش و کنار آمدن را راحت‌تر می‌کند. در همین راستا، میتون^۳ (۱۹۸۹، به نقل از رحمانی و رحمانی، ۱۳۹۱) در گزارش پژوهشی خود نشان دادند حمایت معنوی ناشی از احساس ارتباط با خدا، اثرات موقعیت‌های ضربه‌آمیز اساسی را کاهش داده و بر عزت‌نفس اثر مثبتی می‌گذارد. همچنین، باور به اینکه خداوند پاداش‌دهنده است و انسان را تنها نمی‌گذارد می‌تواند در همدلی و کمک کردن به دیگران بدون چشم‌داشت، کمک‌کننده باشد. به‌طور کلی مذهب و معنویت، به‌وسیله‌ی فراهم کردن چارچوبی برای درک معنا و علت وقایع منفی و همچنین ارائه‌ی چشم‌اندازی امیدوارانه از زندگی، می‌تواند سازگاری افراد با شرایط پرفشار را تحت تأثیر قرار دهد. در واقع التزام مذهبی، به‌مثابه‌ی سپر ضربه‌گیر در برابر تنش عمل نموده و پیامدهای زیان‌بار تنش را کاهش دهد (شریفی، فاتحی‌زاده، ۱۳۹۱).

درنهایت، با توجه به اینکه نتایج پژوهش حاکی از آن است که اکثریت دانش‌آموزان با توجه به شرایط سنی و مشکلات در مدرسه و تحصیل تنش زیاد را تجربه می‌کنند و متعاقب با آن ممکن است همدلی آن‌ها کاهش یابد و اینکه مقابله‌ی مذهبی نقش مهمی در این رابطه دارد پیشنهاد می‌شود که راه‌های مقابله با تنش‌ها به دانش‌آموزان ارائه شود همچنین زمینه برای فعالیت‌های مذهبی و تعمیق بخشی به این باورها بیشتر فراهم شود.

¹ Dunn & O'Brien

² Wong, Rew, & Slaikou

³ Maton

منابع

- ارشدی، نسرين، پیریایی، صالحه. (۱۳۹۳). نقش تعدیل‌کننده صفت شخصیتی وجدانی بودن در رابطه بین فرسودگی عاطفی و عملکرد شغلی. دو فصلنامه مشاوره کاربردی، ۴ (۲)، ۱۹-۳۶.
- باستانی، فریده، قاسمی، الهام، رمضان‌زاده تبریز، الهه، جانانی، لیلا و رحمت‌نژاد، لیلی. (۱۳۹۳). بررسی استرس درک شده و سازگاری مذهبی در زنان مراقبت‌کننده از سالمندان مبتلا به دمانس. مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، ۱۳ (۱۰)، ۹۳۶-۹۲۵.
- رباطی، افشین، دوران-دلویں، دانورس، فرانسیس. (۱۳۹۳). اثربخشی برنامه خودارزیابی مهارتی بر عزت‌نفس، خودکارآمدی اجتماعی و استرس شغلی. پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، ۵ (۱۴)، ۱-۱۶.
- رحمانی، مهدی و رحمانی، علی. (۱۳۹۱). ارتباط بین جهت‌گیری‌های مذهبی درونی و بیرونی با سازگاری و عزت‌نفس دانشجویان. پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، ۲ (۷)، ۷۱-۸۴.
- شهسواری، امیرمحمد، سید کاظم، رسول‌زاده طباطبایی، عشایری، حسن و ستاری، کلتوم. (۱۳۸۹). تأثیر استرس بر توجه انتخابی و متمرکز بینایی با در نظر گرفتن اثر آن در آموزش و یادگیری. اندیشه‌های نوین تربیتی، ۴ (۲۴)، ۱۷۰-۱۹۴.
- شریفی، مرضیه، فاتحی زاده، مریم. (۱۳۹۱). رابطه مقابله مذهبی با افسردگی و فرسودگی مراقبتی در مراقبین خانوادگی. مراقبت‌های نوین. فصلنامه علمی دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، ۹ (۴)، ۳۲۷-۳۳۵.
- قاسم‌زاده علیشاهی، ابوالفضل، حسنی، محمد و زوار، تقی. (۱۳۹۲). برآزش روابط علی-ساختاری ویژگی‌های شخصیتی با استرس و رفتار شهروندی سازمانی با توجه به اثرات میانجی رفتار پاسخگویی فردی. پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، ۳ (۹)، ۷۹-۹۴.
- نژاداحمدی، ندا و مرادی، علیرضا. (۱۳۹۳). رابطه ذهن‌آگاهی، راهبردهای مقابله‌ای و استرس ادراک شده با کیفیت زندگی بیماران سرطانی. فصلنامه پژوهش‌های نوین روان‌شناختی، ۳۵ (۹)، ۱۷۲-۱۸۸.

Ahles, Joshua J.; Mezulis, Amy H.; Hudson, Melissa R. (2016). Religious coping as a moderator of the relationship between stress and depressive symptoms. *Psychology of Religion and Spirituality*, 8(3), 228-234. doi:10.1037/rel0000039

Aiken, L. S., & West, S. G. (1991). *Multiple regression: Testing and interpreting interactions*. Newbury Park, London, Sage.

Albiero, P., Matricardi, G., Speltri, D., Toso, D. (2009). The assessment of empathy in adolescence: a contribution to the Italian validation of the "Basic Empathy Scale". *Journal of Adolescence*, 32, 393-408. doi:10.1016/j.adolescence.2008.01.001.

Ano, G. & Vasconcelles, E. (2005). Religious coping and psychological adjustment to stress: A meta-analysis. *Journal of Clinical Psychology*, 61(4), 1-20. doi:10.1002/jclp.20049

Bailey, P. E., Henry, J. D., & Von Hippel, W. (2008). Empathy and social functioning in late adulthood. *Aging & Mental Health*, 12(4):499-503. doi: 10.1080/13607860802224243.

Chao, R. C-L. (2012). Managing perceived stress among college students: The roles of social support and dysfunctional coping. *Journal of College Counseling*, 15, 5-21. doi:10.1002/j.2161-1882.2012.00002.x

Baron, R.M. & Kenny, D.A. (1986). The Moderator-Mediator Variable Distinction in Social. Psychological Research: Conceptual, Strategic, and Statistical Considerations. *Journal of personality and Social Psychology*, 51 (6): 1173-1182. doi.org/10.1037/0022-3514.51.6.1173.

Chow, C. M., Ruhl, H., & Buhrmester, D. (2013). The mediating role of interpersonal competence between adolescents' empathy and friendship quality: A dyadic approach. *Journal of Adolescence*, 36(1), 1191-200. doi:10.1016/j.adolescence.2012.10.004.

Cramer, D., & Jowett, S. (2010). Perceived empathy, accurate empathy and relationship satisfaction in heterosexual couples. *Journal of Social and Personal Relationships*, 27, 327-349. doi: 10.1177/026540750934.

Denver, R. J. (2009). Structural and functional evolution of vertebrate neuroendocrine stress systems. *Ann. N.Y. Acad. Sci*, 1163, 1-16. doi: 10.1111/j.1749-6632.2009.04433.x.

Dunn, M., & O'Brien, K. (2009). Psychological health and meaning in life. *Hispanic Journal of Behavioral Sciences*, 31(2), 204-227. doi: 10.1177/0739986309334799.

Eisenberg, N., Eggum, N. D., & Di Giunta, L. (2010). Empathy-Related Responding: Associations with Prosocial Behavior, Aggression, and Intergroup Relations. *Social Issues and Policy Review*, 4(1), 143-180. doi:10.1111/j.1751-2409.2010.01020.x.

Ferguson, F.J., & Austin, E.J. (2010). Associations of trait and ability emotional intelligence with performance on Theory of Mind tasks in an adult sample. *Personality and Individual Difference*, 49(5):414-418. doi:10.1016/j.paid.2010.04.009.

Goldman, N., Gleib, D. A., Seplaki, C., Liu, I. W., and Weinstein, M. (2005). Perceived stress and physiological dysregulation in older adults. *Stress*, 8, 95-105. doi: 10.1080/10253890500141905.

Hackney, C. H., & Sanders, G. S. (2003). Religiosity and mental health: A meta-analysis of recent studies. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 42, 43-55. doi:10.1111/1468-5906.t01-1-00160.

Hoffman, M.L (2001). *Empathy and Moral Development: Implications for Caring and Justice*: Cambridge University Press.

Hoffman, M. L (2008). Empathy and prosocial behavior. In: Lewis M, Haviland-Jones J. M., Barrett, L. F., editors. *Handbook of Emotions*, Third Edition. Guilford Publications, 440–455.

Jolliffe, D., & Farrington, D. P. (2006). Examining the relationship between low empathy and bullying. *Aggressive Behavior*, 32(6), 540-550. doi:10.1002/ab.20154.

Jolliffe, D., & Farrington, D.P. (2004). Empathy and offending: A systematic review and meta-analysis. *Aggression and Violent Behavior*, 9, 441-476. doi:10.1016/j.avb.2003.03.001

Lockwood, P. L., Seara-Cardoso, A., & Viding, E. (2014). Emotion Regulation Moderates the Association between Empathy and prosocial Behavior. *PLoS ONE*, 9(5). doi:10.1371/journal.pone.0096555.

Miklikowska, M. (2017). Development of anti immigrant attitudes in adolescence: The role of parents, peers, intergroup friendships, and empathy. *British Journal of Psychology*. doi: 10.1111/bjop.12236

Pargament, K.I., & Ano, G. (2004). Empirical advances in the psychology of religion and coping. In K.W. Schaie, N. Krause, and A. Booth (Eds.), *Religious Influences on Health and Well-Being in the Elderly* (114-140). New York: Springer.

Pargament, K.I., & Brant, C.R. (1998). Religion and coping. In H.G. Koenig (Ed.), *Handbook of Religion and Mental Health* (111-128). San Diego, CA: Academic Press.

Pargament, K. I., Smith, B. W., Koenig, H. G., & Perez, L. (1998). Patterns of positive and negative religious coping with major life stressors. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 37, 710–724. doi: 10.2307/1388152.

Richards, A. E., Petrie, M. J. and Chapman, K. L. (2016). Is Religious Coping a Moderator Of Perceived Control and Panic Symptoms in African American Adults? *Journal of Black Psychology*, 42, 2, 140-159. doi: 10.1177/0095798414560587.

Schreiter, S., Pijnenborg G. H. M., aan het Rot, M. (2013). Empathy in adults with clinical or subclinical depressive symptoms. *Journal of Affective Disorders*, 150(1):1-16. doi:10.1016/j.jad.2013.03.009.

Shiner, R. L., Masten, A. S., (2012). Childhood personality as a harbinger of competence and resilience in adulthood. *Development and Psychopathology*, 24(2):507–528. doi: 10.1017/S0954579412000120.

Singer, T., Lamm, C., (2009). The social neuroscience of empathy. *Ann N Y Acad Sci*, 1156: 81–96. doi:10.1111/j.1749-6632.2009.04418.x.

Stangor, C. (2015). *Research methods for the behavioral sciences* (5th ed). Belmont: Wadsworth.

Ten Have, H. & Gordijn, B. (2016). Empathy and violence. *Medicine, Health Care and Philosophy*, 19(4), 499-500. doi: 10.1007/s11019-016-9730-5

White, B. A., Gordon, H., & Guerra, R. C. (2015). Callous–unemotional traits and empathy in proactive and reactive relational aggression in young women. *Personality and Individual Differences*, 75, 185-189. doi:10.1016/j.paid.2014.11.031.

Wang, X., Lei, L., Yang, J., Gao, L., Zhao, F. (2016). Moral Disengagement as Mediator and Moderator of the Relation between Empathy and Aggression among Chinese Male Juvenile Delinquents. *Child Psychiatry & Human Development*, 1-11. doi: 10.1007/s10578-016-0643-6.

Wong, Y., Rew, L., & Slaikeu, K. (2006). A systematic review of recent research on adolescent religiosity/spirituality and mental health. *Issues in Mental Health Nursing*, 27, 161-183. doi: 10.1080/01612840500436941.

Zelidman, A. (2014). Empathy as a Moderator of Adolescent Bullying Behavior and Moral Disengagement after Controlling For Social Desirability. Wayne State University Dissertations. Paper 944.

